

بررسی کارکردهای مذهبی (آیینی) و سیاسی تخت جمشید در دوره هخامنشیان با تکیه بر سبک معماری آن

نقش آیین‌های باستانی و مذهبی تخت جمشید به دلیل اینکه جزء پدیده‌های تأثیرگذار بود و در دوره هخامنشی پارسه نام داشت به عنوان پایتخت، در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. صاحب‌نظران نظریه‌های متفاوتی درباره کارکرد اصلی تخت جمشید مطرح کرده‌اند. برخی این مجتمع را یک مجموعه سیاسی و اداری دانسته‌اند و گروهی نیز آن را تختگاهی آیینی و فقط یک معبد و پرستشگاه می‌دانند. آن‌چنان‌که از شواهد و مدارک به دست آمده، مانند سنگ‌نوشته‌های پارسی و الواح ایلامی می‌توان دید این است که تخت جمشید علاوه بر امور سیاسی و تشکیلات اداری، محل برگزاری تشریفات آیینی فراوانی از جمله نوروز و مهرگان بوده است. به همین دلیل می‌توان بر فرضیه تختگاه آیینی پارسه تأکید بیشتری داشت و جنبه مرکزی اداری و سیاسی آن را کم‌اهمیت‌تر دانست، ولی نمی‌توان آن را فقط یک معبد و پرستشگاه مذهبی در نظر گرفت. روش تحقیق در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری آن، تاریخی و به شیوه تبیینی - تحلیلی و در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

اهداف پژوهش:

۱. بیان تأثیرگذاری عوامل مؤثر بر انتخاب تخت جمشید به عنوان پایتخت و نقش آن در توسعه و گسترش دولت هخامنشی.
۲. بررسی کارکردهای مذهبی و آیینی تخت جمشید با تکیه بر سبک معماری آن.

سؤالات پژوهش:

۱. چه عواملی مؤثر بر انتخاب تخت جمشید به عنوان پایتخت مؤثر بودند؟
۲. کارکردهای مذهبی و آیینی تخت جمشید و بازتاب آن‌ها در سبک معماری آن چگونه بود؟

کلیدواژه‌ها: تخت جمشید، آیین‌های باستانی، پرستشگاه، هخامنشیان، جشن‌ها.

مقدمه

منابع تاریخی، تخت جمشید را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پایتخت‌های ایران باستان در دوره هخامنشیان می‌دانند. پارسه یا تخت جمشید مهم‌ترین میراث دوره هخامنشیان است که موضوع بررسی‌های گوناگون قرار گرفته، اما هنوز معمایی حل‌نشده آن درباره کاربرد تخت جمشید باقی‌مانده است. دو نظریه در مورد تخت جمشید مطرح است. نظریه نخست بر این بوده که تخت جمشید تختگاه تابستانه شاهان هخامنشی بود؛ اما گروهی دیگر به معبد بودن این تختگاه اعتقاد بیشتری دارند. برای بیان این مسئله در پژوهش حاضر ضمن بررسی و تحلیل دو نظریه گفته‌شده، فرضیه دیگری را هم در نظر می‌گیریم که تخت جمشید نه یک معبد صرف و نه فقط یک پایتخت سیاسی کشور بوده است. مجموعه پارسه یک پایتخت سیاسی و اداری نبوده، بلکه آن مجموعه یک پایتخت فرهنگی بوده که آیین‌های باستانی و در مواردی مذهبی در آن برگزار می‌شد. در بررسی تأثیر عوامل فرهنگی، یک چالش اصلی در این سؤال وجود دارد که آیا موقعیت و جایگاه تخت جمشید بیشتر تحت تأثیر عامل سیاسی بوده یا آیین‌های باستانی و مذهبی بیشتر در آن نقش داشته‌اند؟ و اینکه این کارکردها چگونه در معماری تخت جمشید منعکس شده است؟

برخی معتقد هستند که تخت جمشید را باید به‌عنوان پایتخت سیاسی و مرکز اداری دولت هخامنشی قلمداد کرد، اما عده زیادی نیز عقیده دارند که نمی‌توان نقش اصلی آن را سیاسی و اداری دانست. این اختلاف‌نظرها در میان مورخان و صاحب‌نظران هنوز به پاسخ قانع‌کننده‌ای منجر نشده و این مسئله شکافی در میان عقاید نویسندگان ایجاد کرده است. بسیاری از ایران‌شناسان بر این باور هستند که داریوش اول برای برگزاری آیین‌های فرهنگی، اقدام به ایجاد چنین بناهای مهم سلطنتی در تخت جمشید کرد و تصمیم به احداث مجموعه باشکوهی مشتمل بر کاخ‌های تشریفاتی متعدد در منطقه پارسه کرد تا هم پایتخت بهاری ایران باشد و هم برای برپایی جشن‌های نوروزی مورد استفاده قرار گیرد. اعتقاد برخی مورخان معاصر این بود که کاخ تخت جمشید با وجود نداشتن پرستشگاه و آتشکده، کاربری آن مذهبی بوده است. در زمینه نقش مذهب در دربار تخت جمشید، عده‌ای معتقد هستند که هخامنشیان مزدایی بودند؛ برخی هم هخامنشیان را پیرو دین نزدیک به زرتشت و دین آنان را شکل ویژه‌ای از مزداپرستی می‌دانند. همچنین برخی بر این باور هستند که دین پارس‌ها، دین قدیم ایرانیان پیش از زرتشت بود و با دشت‌ها و ریگ‌زده مطابقت دارد. گروهی هم آن را پایتخت فرهنگی هخامنشیان دانسته‌اند.

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر درنیامده است. رزمجو (۱۳۹۴) در مقاله‌ای با عنوان «معماری سنگ میانی در کاخ مرکزی تخت جمشید» یکی از کاربری‌های محوری تخت جمشید را کاربری تقویمی و نجومی دانسته است. علیزاده گرجی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش مذهب و آیین‌های رایج دوره هخامنشی بر معماری تخت جمشید» محوری‌ترین کاربرد تخت جمشید را برگزاری آیین‌های مذهبی دانسته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

نتیجه‌گیری

تخت جمشید بدون تردید پایتخت شاهان هخامنشی از داریوش اول تا داریوش سوم بوده است، اما در این تختگاه که در بیشتر مواقع فقط تابستان‌ها از آن استفاده می‌شد، می‌توان گفت که فقط به صورت موقت و موردی امور سیاسی و مسائل مربوط به دولت هخامنشی در آن برگزار می‌شد؛ همچنین دیدارهای سیاسی - بین‌المللی یا دیدار با عموم مردم

در جشن‌ها و ایام خاص جریان داشته است و آیین‌هایی مانند جشن نوروز و مهرگان را در آنجا برگزار می‌کردند. برخی پژوهشگران از این ایده دفاع کرده‌اند که تخت جمشید مکانی کاملاً دینی و ویژه اجرای آیین‌های مذهبی بوده، اما شواهد و مدارک به دست آمده این نظر را تأیید نمی‌کند؛ چراکه تاکنون هیچ عمارت یا محوطه‌ای بر روی سکوی بزرگ تخت جمشید پیدا نشده که بتوان به علت آن پی برد که این صُفّه کاربردی دینی داشته یا نداشته است. از سویی دیگر، از محتوای اسناد ایلامی تخت جمشید چنین برمی‌آید که در سراسر پادشاهی داریوش و خشایار شاه، خدایانی پرستیده می‌شده که در آن (پیرامون) ایرانی و ایلامی و حتی بابلی بودند. علاوه بر موقعیت جغرافیایی تخت جمشید، دو دلیل دیگر برای اثبات جنبه مذهبی تخت جمشید ارائه شده است، نخست آنکه تعداد زیادی نقوش رمزی و مذهبی در آن ایجاد شده و اثری از سندی که نشانه و دلیل مهمی حاکی از انجام فعالیت‌های سیاسی در آنجا باشد یافت نشده است، دوم بسیاری از بخش‌های داخلی فضای کالبدی مجموعه از جمله پله‌های داخلی، دچار فرسایشی که حاکی از کاربرد زیاد از آثار فوق باشد دیده نشده است.

به‌طور خلاصه با توجه به آثار موجود در این مجموعه که اقوام و ملت‌های مختلف را با فرهنگ‌های گوناگون به نمایش می‌گذارد، می‌توان نتیجه گرفت که بالاترین هدف سازندگان این بنا جمع‌آوری علوم و فنون آن زمان از سراسر جهان در یک محل بوده است و یک نمایشگاهی از صنایع و دستاوردهای ملت‌ها و اقوام تحت فرمان شاهنشاهی ایران را به وجود آورده تا عظمت دولت و ارتش را به انظار ملت‌های تحت فرمانروای ایران آن دوره برساند، همچنین نمایندگان تمام ملل امپراتوری در آن کاخ به پیشگاه داریوش حضور یابند و اطاعت و فرمان برداری خود را نشان دهند. به همین دلایل ذکر شده باید گفت که تخت جمشید فقط یک تختگاه سیاسی یا یک معبد نبوده، بلکه بیشتر تختگاهی آیینی قلمداد می‌شده که به‌ویژه برای برگزاری جشن‌های نوروز و مهرگان کاربرد داشته است. اگرچه در نتیجه بررسی‌های باستان‌شناختی و مدارک مربوط به گل نوشته‌های بارو و خزانه تخت جمشید، جایگاه مهم این مکان و کارکردهای اداری و اقتصادی آن را نشان می‌دهد و از طرفی جنبه ایدئولوژی و تشریفاتی تخت جمشید نیز کاملاً عیان است؛ بنابراین چنین نتیجه‌گیری می‌شود که تخت جمشید هم‌زمان پایتخت اداری و آیینی شاهنشاهی هخامنشی بوده است.

فهرست منابع و مآخذ:

آریان. (۱۳۸۸). لشکرکشی اسکندر. ترجمه: انگلیسی او بروی دوبلین کورت، ترجمه: فارسی محسن خادم، تهران: نشر دانشگاهی.

احمدی‌پور، زهرا؛ علی ولی قلی‌زاده. (۱۳۹۰). مبانی جغرافیایی-سیاسی مکان‌گزینی پایتخت‌ها در ایران. تهران: ناشر پاپلی.

استرابو. (۱۳۹۶). جغرافیای استرابو. کتاب ۱۱، ترجمه: همایون صنعتی زاده، تهران: ناشر بنیاد محمود افشار. اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. (۱۳۶۴). مرآت‌البلدان، جلد ۱، مترجمان به کوشش پرتو نوری علا و محمدعلی سپانلو، تهران: اسفار.

اومستد، آلبرت تن آیک. (۱۳۸۸). تاریخ شاهنشاهی هخامنشی. ترجمه: محمد مقدم، چاپ پنجم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.

- ایمان پور، محمدتقی. (۱۳۸۸). «بررسی جایگاه سیاسی ساتران هخامنشی در دوره داریوش بزرگ با تکیه بر کتیبه‌ها». مجله تاریخ ایران، ش ۶۱/۵، ۵۶-۲۳.
- ایمان پور، محمدتقی؛ گائید، زهرا. (۱۳۹۶). «نقش سرزمین‌های شرقی ایلام ارجان و ایزده در انتقال فرهنگ ایلام نو به پارس». پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۲، صص ۱-۲۵.
- باقری، مه‌ری. (۱۳۹۳). دین‌های ایران باستان. چاپ پنجم، تهران: ناشر قطره.
- بختورتاش، نصرت‌الله. (۱۳۷۴). حکومتی که برای جهان دستور می‌نوشت. تهران: مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی فروهر.
- بختورتاش، نصرت‌الله. (۱۳۵۰). «علل سیاسی و نظامی انتخاب سه پایتخت در ایران هخامنشی»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۵، صص ۸۷-۹۸.
- بروسینوس، ماریا. (۱۳۹۶). ایرانیان باستان. ترجمه: مانی صالحی علامه، چاپ دوم، تهران: نشر ثالث.
- بریان، پیتر. (۱۳۷۸). امپراتوری هخامنشی از کوروش تا اسکندر. جلد ۱، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ سوم، تهران: ناشر زریاب.
- بریان، پیتر. (۱۳۸۶). تاریخ امپراتوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر. جلد ۱ و ۲، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ پنجم، تهران: ناشر زریاب.
- بریان، پیتر. (۱۳۸۶). امپراتوری هخامنشیان از کوروش تا اسکندر. جلد ۱، ترجمه: مهدی سمسار، چاپ پنجم، تهران: ناشر زریاب.
- به ویس، مری. (۱۳۸۶). زردشتیان باورها و آداب دینی آن. ترجمه: عسکر بهرامی، چاپ نهم، تهران: ناشر ققنوس.
- پلوتارخ. (۱۳۹۰). ایرانیان به روایت پلوتارخ. ترجمه: احمد کسروی، چاپ دوم، تهران: ناشر جامی.
- پلوتارخ. (۱۳۹۰). ایرانیان و یونانیان. ترجمه: احمد کسروی، چاپ دوم، تهران: ناشر جامی.
- پاپ، آرتور. (۱۳۸۲). معماری در ایران. غلامحسین صدری افشار، تهران: ناشر اختران.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۴). دانستنی‌های نوین درباره هنر و باستان‌شناسی عصر هخامنشی، بر بنیاد کاوش‌های پنج‌ساله تخت جمشید، تهران: وزارت فرهنگ و هنر.
- نوین بی، آرنولد. (۱۳۷۹). جغرافیای اداری هخامنشیان. همایون صنعتی زاده، تهران: بنیاد محمود افشار یزدی.
- جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۶). تاریخ تحولات سیاسی ساسانیان. تهران: ناشر سمت.
- جوادی، غلامرضا. (۱۳۸۰). مدیریت در ایران باستان. تهران: ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۹۹). جغرافیای سیاسی ایران. چاپ یازدهم، تهران: ناشر سمت.
- حین توس، والتر. (۱۳۸۷). داریوش و ایرانیان تاریخ فرهنگ و تمدن هخامنشیان. ترجمه: پرویز رجبی، تهران: ناشر ماهی.

- خسرویانی و همکاران. (۱۳۹۷). زرتشت و دین زرتشتی مقالاتی از دانشنامه ایرانیکا. ویراستار: محسن نظری فارسانی، تهران: ناشر فروهر.
- خورشیدیان، اردشیر. (۱۳۹۲). اندیشه در تخت جمشید (پارسه). تهران: ناشر جامی.
- رحمان، امامعلی. (۱۳۹۸). نگاهی به تاریخ و تمدن آریایی. چاپ دوم، تهران: ناشر مهدی.
- سامی، علی. (۱۳۸۹). پایتخت‌های شاهنشاهی هخامنشی. تهران: ناشر پارینه.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۷). مقدمه‌ای بر تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. چاپ دوم، تهران: ناشر امیرکبیر.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۶۴). روند شکل‌گیری شهرها و مراکز مذهبی در ایران. تهران: ناشر آگاه.
- سلطان‌زاده، حسین. (۱۳۹۰). تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش. تهران: چهارطاق.
- سن‌گاری، اسماعیل؛ کرباسی، علیرضا. (۱۳۹۴). «شکل‌گیری نخستین بنیادهای جهانی‌شدن در عصر هخامنشی با رویکرد دینی». پژوهش‌های تاریخی اصفهان، شماره اول، (پیاپی ۲۵)، صص ۶۳-۸۴.
- سیسیلی، دیو دور. (۱۳۸۴). ایران و شرق باستان در کتابخانه دیو دور (کتاب دوم). ترجمان: حمید بیگس شرکایی؛ اسماعیل سن‌گاری، تهران: ناشر جامی.
- شاپور شهبازی، علیرضا. (۱۳۹۰). «تخت‌جمشید». مجله مرداد، شماره ۲۵۱ پیاپی، تهران، صص ۳-۵.
- شاه‌حسینی، ناصرالدین. (۲۵۳۶). تمدن و فرهنگ ایران از آغاز تا دوره پهلوی. دانشگاه سپاهیان انقلاب، چاپ سوم، ایران.
- شیروانی، زین‌العابدین. (۱۳۸۹). بستان ال سیاهه. جلد ۱، تهران: حقیقت.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۸۸). تاریخ باستانی ایران. ترجمه: منوچهر رجب‌نیا، چاپ چهارم، تهران: علمی فرهنگی.
- فرای، ریچارد نلسون. (۱۳۹۲). میراث باستانی ایران. ترجمه: مسعود رجب‌نیا، چاپ نهم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.
- قائم‌مقامی، سیف‌الدین. (۱۳۴۶). «وجه‌تسمیه تخت‌جمشید». بررسی‌های تاریخی، شماره ۵ و ۶، صص ۹-۱۲.
- قوتیفوس. (۱۳۸۰). خلاصه تاریخ کتز یاس از کورش تا اردشیر (قوتیفوس). ترجمه: کامیاب خلیلی، تهران: ناشر کارنت.
- قدیانی، عباس. (۱۳۹۳). پایتخت‌های باستانی پارس «از شوش تا تخت‌جمشید». چاپ دوم، تهران: آروین.
- کلیکان، ویلیام. (۱۳۵۰). مادی‌ها و پارسی‌ها. ترجمه: گودرز اسعد بختیاری. تهران: ناشر شورای جشن‌ها.
- کوخ، هلید ماری. (۱۳۷۶). از زبان داریوش. ترجمه: پرویز رجبی. تهران: ناشر کارنت.
- کریس، جان. (۱۳۹۱). تاریخ تمدن ایران پرسپولیس تختگاه شاهان پارسی. جلد ۲، ترجمه: ایران نعمتی، تهران: ناشر وزرا.
- کریس، سرخوش وستا؛ استوارت سارا. (۱۳۹۳). پارتیان. ترجمه: کاظم فیروزمید، تهران: ناشر پایان.
- کمبریج. (۱۳۹۸). تاریخ ایران سلوکیان. جلد ۳، قسمت اول، ترجمه: تیمور قادری، چاپ چهارم، تهران: ناشر مهتاب.

- کیانی، محمدیوسف. (۱۳۷۴). پایتخت‌های ایران. تهران: سازمان میراث فرهنگی، معاونت آموزش.
- کمبریج. (۱۳۸۷). تاریخ ایران ادیان و اقوام. جلد ۳، قسمت چهارم، ترجمه: تیمور قادری، تهران: ناشر مهتاب.
- گو می لف، ویلیس و همکاران. (۱۳۸۶). نگاشته‌های تاریخی از دوران باستان تا انقلاب مشروطه. ترجمه: سیروس ایزدی، تهران: ثالث.
- گیرشمن، رومن؛ هرترزفیلد، ارنست. (۱۳۸۶). پرسپولیس پایتخت هخامنشی. ترجمه: افشین علیزاده، چاپ پنجم، تهران: ناشر فرهنگسرای میردشتی.
- گیرشمن، رومن؛ هرترز فیلد و ماری ژان مو له. (۱۳۸۰). سرزمین جاوید. جلد ۱، ترجمه: ذبیح‌الله منصوری، تهران: ناشر نگارستان کتاب ۱۳.
- لوکوتین، ولادیمیر گری گوری ویل. (۱۳۹۳). تمدن ایران ساسانی. ترجمه: عنایت‌الله رضا، چاپ پنجم، تهران: ناشر علمی فرهنگی.
- مصطفوی، محمدتقی. (۱۳۴۳). «اقلیم پارس (آثار تاریخی و اماکن باستانی فارس)». انجمن آثار ملی، شماره ۴۸، شیراز، ص ۲۲.
- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۹۳). تاریخ جامع ایران. جلد ۳، تهران: ناشر مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- نامی، محمدحسن و دیگران. (۱۳۸۸). نقش عوامل جغرافیایی در انتخاب نهاد و پایتخت‌های حکومتی ایران. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- واترز، سنت. (۱۳۹۹). ایران باستان تاریخ فشرده شاهنشاهی ۵۵۰-۳۳۰ پ. م. ترجمه: محمد ملکی، تهران: ناشر شفיעی.
- واژی، جان. (۱۳۹۳). امپراتوری هخامنشی. ترجمه: محمد آقاجری، تهران: ناشر سبزان.
- وثوقی، محمدباقر. (۱۳۸۵). بررسی منابع و مآخذ تاریخ ایران پیش از اسلام. سوم، تهران: ناشر پیام نور.
- ویزه هومر، یوسف؛ انگل برت کمپفر. (۱۳۸۸). تاریخ هخامنشیان. جلد ۷، در نقش‌رستم و تخت جمشید، ترجمه: مرتضی ثاقب‌فر، ویراستاران هلن سنن سیسی ورد نبوغ و یان ویلم درایو رس، تهران: ناشر توس.
- ویس هومر، یوسف. (۱۳۹۷). «نوروز در تخت جمشید اقامتگاهی سلطنتی جشن نو». فصلنامه جندی‌شاپور، دانشگاه چمران اهواز، ترجمه: اسفندیار رحمتی، شماره ۱۵، صص ۹۱-۱۱۰.
- هد، دان کن. (۱۳۹۴). ارتش ایران هخامنشی. ترجمه: محمد آقاجری، چاپ دوم، تهران: ناشر ققنوس.
- هربرت، توماس. (۱۴۰۰). سفرنامه هربرت. ترجمه: حسن جوادی و ویلم فیلور، تهران: آباد بوم.
- هرودت. (۱۳۳۶). تاریخ هرودت. ترجمه: هادی هدایتی، تهران: دانشگاه تهران.
- هندل‌من، نوتر. (۱۳۹۸). فرهنگ‌پذیری ایرانیان و عیلامیان آغاز امپراتوری هخامنشی. ترجمه: یزدان صفایی، تهران: ناشر حکمت سینا.

یانگ، پیتر ژولیوس. (۱۳۸۵). داریوش یکم پادشاه پارسی. ترجمه: داوود منشی‌زاده، تهران: ناشر ثالث.

Henkman, w. f.m. khaksar, s. (۲۰۱۴). Elam,s Dormant sound. Landscape, music and the divine in Ancient Iran, in Archaeoacoutics Henkelman, ۲۰۱۴:۲۲۵-۲۷ and ۲۰۱۱Ibx ۱۳۱-۱۳۲ Persepolis, the Place of Ancient Iran, in Archaeoacoutics.

The Archaeology of sound publication of proceedings from the ۲۰۱۴ coferece inMyakka city. Pp:۲۱۱-۳۱.